



• نفیسه نجفی قدسی
• تصویرگر: غزاله صرافیان

خانواده‌ی آقای خوش حال

خانواده‌ی آقای خوش حال در روستای شادرود زندگی می‌کنند. مادر آقای خوش حال، سه سال پیش، از شادرود به شهر برجستان، پیش پسر دیگرش جلال رفته بود. پسرش زندگی در شهر را برای مادر راحت‌تر می‌دانست چون شهر امکانات و پزشکان بیشتری داشت. خانواده‌ی آقای خوش حال، روز جمعه ۱۳ حیاط خانه در شادرود، با مرغ و خروس‌ها سرگرم بود و حال خوبی داشت. در آن موقع بود که پویا تصمیم گرفت قهرمان قصه‌ی ما شود و مادر بزرگ را به روستا برگرداند. از قضا، پویا امسال به پایه‌ی ششم رفته بود و درس نخست فصل اول کتاب تفکر و پژوهش را یاد گرفته بود. او در حالی که به خودش افتخار می‌کرد، جدول صفحه‌ی ۱۸ این کتاب را در برگه‌ای کشید و آن را پر کرد.

منطقه	دلایل انتخاب شما
شادرود	مادر بزرگ می‌تواند در حیاط خانه با مرغ و خروس‌ها سرگرم باشد و در باغچه سبزی بکارد و آن‌ها را آب بدهد.
برجستان	پزشک‌های بیشتری دارد.
شادرود	مادر بزرگ عصرها با دوستانش در کوچه‌های روستا پیاده‌روی می‌کند و سلامتی‌اش حفظ می‌شود.
برجستان	دو داروخانه در نزدیک خانه‌ی مادر بزرگ هستند.
شادرود	مادر بزرگ می‌تواند تخم مرغ با کیفیت محلی، گوشت سالم محلی، شیر و ماست تازه بخورد.
برجستان	حمل و نقل خوبی دارد.
شادرود	ریه‌های مادر بزرگ پر از اکسیژن و هوای سالم می‌شوند.



پویا با مشورت شادی، جدول را کامل کرد. همه‌ی اعضای خانواده با دیدن جدول پویا و شادی، خوش حال شدند و به فکر فرو رفتند. ادامه‌ی ماجرا را در شماره‌ی بعدی بخوان.